

دوره نهم

توحیدپوری اصحاب امام حسین علیہ السلام



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم  
روابط عمومی

# السلام علیکم وعلیٰ آله وعلیٰ صحبته

## توحیدباوری اصحاب امام حسین علیه السلام

ندارد. جنگ‌ها و پیکارهای رخ داده در تاریخ، شاهدی جدی بر «نقش پررنگ خداباوری در سعادت انسان» است.

اشاره

عاشورا و کربلا نمونه دیگری از صفحات تاریخ است که می‌تواند نقش «خداباوری» در سعادت را از یک سو و نقش «ضعف در خداباوری» در شقاوت را از سوی دیگر مجسم کند. افزون بر سخنان امام حسین علیه السلام در معرفی اصحاب خود، سرگذشت و سخنان آنان نیز نشان می‌دهد توحیدباوری، رکن رکین سعادت آنان بوده است. این نوشتار در پی بیان دو مطلب است: سخنان امام حسین علیه السلام و دیگر امامان - درباره توحیدباوری اصحاب، سخنان و رفتارهای توحیدی یاران حسینی.

از جمله خطبه‌های امیرمؤمنان علیه السلام که در نهج البلاغه آورده نشده است، خطبه‌ای توحیدی است که کلینی در کتاب شریف کافی ذکر کرده است. ایشان غالباً به نقل اصل روایات بسنده می‌کند و جز مواردی انگشت‌شمار، به توضیح شخصی خود نمی‌پردازد؛ با این وجود پس از نقل خطبه مذکور می‌نویسد: «این خطبه، از خطبه‌های مشهور آن حضرت است و میان عامه مردم مشهور است و برای کسی که دنبال علم توحید باشد، اگر در آن بیندیشد و آن را بفهمد، کافی است. آری، اگر تمام جن و انس - جز پیغمبران - هم زبان شوند که توحید را مانند آنچه آن حضرت - پدر و مادرم فدایش - فرموده بیان کنند، از عهده‌اش بر نمی‌آیند. و اگر بیان آن حضرت علیه السلام نبود، مردم نمی‌دانستند چگونه در راه توحید قدم بردارند».<sup>۱</sup>

### توحیدباوری اصحاب در کلام حجج الهی

آثار برجای مانده از امام حسین علیه السلام و دیگر امامان معصوم علیهم السلام، گواه آن است که نگاه توحیدی یاران حسینی به واقعه کربلا، از مهم‌ترین امتیازات ایشان به شمار می‌آید.

شاید خواننده گرامی تصور کند چنین خطبه‌ای، در فضایی روحانی همچون شب قدر یا شب جمعه یا نماز جمعه ایراد شده است؛ اما به تصریح امام صادق علیه السلام که راوی اصلی این خطبه هستند، سخنان توحیدی امیرمؤمنان علیه السلام، در فضایی جنگی و پیش از شروع پیکار با معاویه در صفین ایراد شده است.

۱. امام حسین علیه السلام در واپسین لحظات عمر شریف‌شان و پس از شهادت همه اصحاب، برای اتمام حجت با حاضران در میدان نبرد، استغاثه‌ای جانسوز نمودند که صدای شیون اهل حرم را در پی داشت؛ از جمله فرمودند: «هَلْ مِنْ مُؤَجِّدٍ يَخَافُ اللَّهَ فِينَا؛ آیا خداشناسی هست که درباره ما از خدا بترسد؟». این ندای جانسوز، گواه روشنی است که شهیدان در رکاب ایشان، با نگاه توحیدی در کنار حجت الهی ایستادند و شربت شهادت را نوشیدند.

دامنه تأثیرگذاری توحید و خداباوری، همه ابعاد زندگی بشر را دربر می‌گیرد و اختصاص به زاویه‌ای خاص از حیات انسانی

# السَّلَامُ عَلَیْكُمْ كَمَا أَهْلَكْنَا لِنُبُوِّكُمْ

زمانی که بر بالین مسلم بن عوسجه حاضر شدند و نیز هنگام دریافت خبر شهادت قیس بن مسهر صیداوی، این آیه را تلاوت نمودند: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا».

۴. در نخستین فراز از زیارت نامه شهدای کربلا که توسط امام صادق علیه السلام صادر شده است، چنین می‌گوییم: «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ أَيُّهَا الرَّبَّانِيُونَ...».

همچنین زیارت نامه کوتاهی که برای شب های عید فطر و عید قربان نقل شده است، با این عبارت آغاز می‌شود: «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ أَيُّهَا الذَّابُّونَ عَن تَوْحِيدِ اللَّهِ...».

امام صادق علیه السلام برترین ویژگی یاران حسینی را «الهی بودن» آنان دانستند و به زائران گوشزد می‌کنند که این صفت برتر ایشان توجه ویژه داشته باشند. در عبارت بعدی نیز به این حقیقت اعتراف می‌کنیم که اگر امروز توفیق زندگی موحدانه نصیب مان شده است، به برکت جان فشانی آنهاست.

گفتنی است امام علیه السلام پس از به‌کار بردن واژه «ربانیون» درباره شهیدان عاشورا، به آیه ۱۴۶ «آل عمران» تمسک کردند که در توصیف رزمندگان جنگ احد نازل شده است: «وَكَايُنُ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلْ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا - وَاللَّهُ يَحِبُّ الصَّابِرِينَ». علامه طباطبایی می‌فرماید: «رَبِّيُونَ جمع ربی، مانند ربانی

۲. در روایتی از امام صادق علیه السلام، سیدالشهدا علیه السلام در همان روز عاشورا خطاب به اصحاب، درباره رضایت و اذن خداوند درباره شهادت خود و آنان فرمود: «أَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ أُذِنَ فِي قَتْلِكُمْ يَا قَوْمٍ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْبِرُوا؛ گواهی می‌دهم که اجازه کشته شدن شما داده شده است؛ پس از خدا پروا کنید و صبر نمایید».

امام علیه السلام با این سخن، افزون بر اینکه بر نگاه توحیدی خود به شهادت تأکید مجدد می‌کند، به توحید باوری یاران خود نیز مهر تأیید می‌زند و در پی تقویت آن برمی‌آید و به آنان گوشزد می‌کند تقدیر حکیمانه خداوند بر شهادت همه ماست و باید در برابر این مصیبت شکیباشیم.

مؤلف إثبات الوصیة پس از نقل فرمایش پیش‌گفته از سیدالشهدا علیه السلام، چنین می‌نویسد: نقل شده است مجاهدان راه خدا در طول تاریخ هزار نفر بودند و قوام دین خدا با اینان بود:

۳۱۳ تن اصحاب طالوت؛

۳۱۳ تن اصحاب بدر؛

۳۱۳ تن اصحاب امام عصر (عج)؛

۶۱ نفر دیگر نیز اصحاب سیدالشهدا علیه السلام بوده‌اند.

گفتنی است عدد فوق با حساب نکردن شهدای بنی‌هاشم، مقرون به صحت است.

۳. به گواهی تاریخ، سالار شهیدان علیه السلام افزون بر هنگام روانه‌کردن هر کدام از اصحاب خود به میدان جنگ،

# السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ

بلکه وقتی دید مسلم از مخفیگاه بیرون نمی آید و نقشه قتل را اجرا نمی کند، چند تأکید از خود نشان داد تا شاید مسلم اقدام به کشتن عبیدالله نماید:

- چند مرتبه عمامه خود را به زمین گذاشت و دوباره به سر نهاد تا بلکه مسلم متوجه اصرار وی بر کشتن عبیدالله شود و کار را تمام کند.

- سپس با خواندن اشعاری، سعی در ترغیب مسلم برای اجرای طرح کرد:

مَا تَنْظُرُونَ بِسَلْمِي لَا تَحْيُوهَا  
إِسْقُونِيهَا وَإِنْ كَانَتْ بِهَا تَفْسِي

در انتظار چه هستید که به سلمی (محبوب فرضی) درود نمی فرستید/ آبم دهید و سیرابم کنید، گرچه در آن جرعه آب، جانم برود.

سپس مصرع دوم را دو سه بار تکرار کرد: آبم دهید، گرچه به مرگم کشیده شود.

حرکات و سخنان غیرعادی شریک، مهران غلام عبیدالله را مشکوک کرد که توطئه ای در کار است؛ از این رو با اشاره از او خواست که زودتر از خانه هانی خارج شود.

پس از رفتن عبیدالله، شریک که از اجرانشدن طرح به شدت ناراحت شده بود، علت را از مسلم جویا شد؛ مسلم در پاسخ دو علت را مطرح کرد: اول: راضی نبودن هانی به اینکه عبیدالله در خانه او کشته شود؛ دوم: حدیثی از رسول خدا-

و به معنای کسانی است که مختص به پروردگارشان بوده و خود را به غیر او مشغول نمی کنند».

توحیدی بودن یاران امام حسین علیه السلام، مدال های توحیدی متعددی را در زیارت نامه هایشان به ثبت رسانید: «أَوْلِيَاءَ اللَّهِ؛ أَحِبَاءَ اللَّهِ؛ أَصْفِيَاءَ اللَّهِ؛ أَوْدَاءَ اللَّهِ»؛

أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ: «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَ أَحِبَّاءَهُ السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا أَصْفِيَاءَ اللَّهِ وَ أَوْدَاءَهُ السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ».

أَنْصَارَ اللَّهِ: «... أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَنْصَارُ اللَّهِ...».

خاصة الله: «أَنْتُمْ خَاصَّةُ اللَّهِ اخْتَصَّكُمْ اللَّهُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ».

خَيْرَةَ اللَّهِ: «أَنْتُمْ خَيْرَةُ اللَّهِ اخْتَارَكُمْ اللَّهُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام».

## سخنان و رفتارهای توحیدی اصحاب

نگاهی به سخنان نثرگونه و نظم گونه شهیدان راه حسین علیه السلام، به روشنی نشان از «خداباوری» در اعماق وجود آنان دارد؛ همان گونه که رفتارهای ایشان، گواه صادقی بر محوریت «الله» در تصمیم گیری ها و کردارهای این اولیای راستین الهی است.

۱. مسلم بن عقیل و خودداری از ترور

در ماجرای معروف خودداری نخستین شهید واقعه کربلا. جناب مسلم بن عقیل از ترور عبیدالله، نکته ظریفی وجود دارد که شریک بن أَعور نه تنها این پیشنهاد را به مسلم داد،

# السلام علیکم یا اهل البیت

جَعَلَكَ اللَّهُ مِنَ الْمُصَلِّينَ الدَّاكِرِينَ! نَعَمْ، هَذَا أَوَّلُ وَقْتِهَا؛ نماز را به یاد آوردی، خداوند تو را از نمازگزاران قرار دهد. آری، اکنون وقت فضیلت نماز است». سپس فرمود: از دشمن بخواهید از ما دست بکشند تا نماز بخوانیم.

حصین بن تمیم (یکی از فرماندهان سپاه یزید) فریاد زد: «نماز شما پذیرفته نیست». حبیب بن مظاهر در پاسخش گفت: «آیا خیال می‌کنی نماز تو پذیرفته است و نماز آل رسول خدا صلی الله علیه و آله پذیرفته نیست؟»

امام علیه السلام که دیدند دشمنان خدا مانع نماز آنها می‌شوند، به زهیر بن قین و سعید بن عبدالله فرمان دادند با گروهی از اصحاب جلوی نمازگزاران بایستند تا آخرین نماز شهیدان عاشورا نیز به جماعت اقامه شود و سرانجام، نماز خوف گزارند. در اثنای نماز تیری به سوی امام علیه السلام پرتاب شد که سعید بن عبدالله حنفی جلوی حضرت ایستاد و با جانش از او محافظت کرد، بی‌آنکه به چپ و راست برود؛ تا آنکه بر اثر اصابت سیزده تیر - غیر از ضربات شمشیر و نیزه که قبلاً به او رسیده بود - به زمین افتاد و به شهادت رسید.

آری، نگاه توحیدی ابوتمامه تا آنجا قوی بود که در میانه جنگ و غوغای شمشیر و تیر و نیزه، نماز اول وقت را فراموش نمی‌کند و با قلبی سرشار از محبت الهی، مشتاق این است که هنگام ملاقات با معبود، نه تنها آخرین نماز خود را خوانده باشد، بلکه با جماعت و امامت حجت خدا علیه السلام اقامه کرده باشد.

که فرمود: «إِنَّ الْإِيْمَانَ قَيْدَ الْفَتْكِ فَلَا يَفْتِكُ مُؤْمِنٌ؛ به درستی که ایمان، کشتن غافل‌گیرانه را بند زده است [ممنوع کرد]؛ از این رو مؤمن، غافل‌گیرانه نمی‌گردد».

آری، جناب مسلم که سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله را سخن خداوند می‌داند و به آن باور عمیق دارد، نگاه خود به ترور را از محاسبات بشری و سودجویانه تغییر می‌دهد و با «نگاه توحیدی» خود به همگان گوشزد کرد که حسین علیه السلام و یاران او حاضر نیستند از آرمان‌های الهی خود کوتاه بیایند؛ هرچند در ظاهر و کوتاه‌مدت به نفع‌شان باشد.

پیام مهم این بخش از زندگانی جناب مسلم، پایبندی کامل به دستورهای الهی است؛ هرچند به ظاهر نیز به نفع انسان نباشد.

## ۲. ابوتمامه و نماز اول وقت

عاشورا به هنگام ظهر رسید. ابوتمامه صاعدی شهید نامدار کربلا، خدمت حجت خدا علیه السلام رسید و عرض کرد: ای اباعبدالله، جانم به فدایت، می‌بینم که این گروه به شما نزدیک شده‌اند. به خدا سوگند، پیش از شما، من باید کشته شوم؛ ولی دوست دارم وقتی خداوند را ملاقات می‌کنم، این آخرین نماز را که وقتش رسیده است، با شما خوانده باشم. قدر تو بگذشت از درک عقول  
عقل اندر شرح تو شد بوالفضول

امام علیه السلام نگاهی به آسمان کرد و فرمود: «ذَكَرْتَ الصَّلَاةَ،

# السَّلَامُ عَلَيَّ كَمَا هِيَ الْبَدَايَةُ لِلنَّبِيِّ

۴. حنظلة بن أسعد شامی وقتی نوبت جان فشانی حنظلة بن أسعد شامی رسید، در مقابل امام علیه السلام ایستاد و تیرها و نیزه‌ها و شمشیرهایی را که به سوی حضرت می‌آمد، بر صورت و سینه خود می‌خرید و پس از موعظه دشمن به وسيله آیاتی از قرآن، به سیدالشهدا علیه السلام عرض کرد: «أَفَلَا نَرْوُحُ إِلَى رَبِّنَا؛ آیا به سوی پروردگارانم نرویم؟». عاقبت پس از جنگی قهرمانانه به شهادت رسید. بی‌شک این «آرامش خاطر» بی‌نظیر، ثمره ایمان و نگاه توحیدی این شهید نامدار است.

۵. بریر و پیشنهاد مباحله یکی از نامدارترین شهیدان عاشورا، بریر همدانی است؛ شخصیتی که وقتی قاتلش - کعب بن جابر - به کوفه برگشت، خواهرش (یا همسرش) به او گفت: «دشمنان پسر فاطمه را یاری دادی و سرور قاریان را کشتی و کاری بسیار زشت انجام دادی. به خدا سوگند که دیگر یک کلمه هم با تو سخن نخواهم گفت».

در آغاز جنگ، یزید بن معقل - از سربازان ابن سعد - در برابر بریر قرار گرفت و گفت: ای بریر، فکر می‌کنی که خدا با تو چگونه رفتار کرد؟ گفت: خداوند سرنوشت مرا نیک و سرنوشت تو را بد رقم زد. یزید گفت: ای بریر، تو پیش از این دروغ‌گو نبودی، ولی اکنون دروغ گفتی. آیا به یاد می‌آوری که در محله بنی‌لوزان راه می‌رفتیم و تو می‌گفتی: «عثمان بر خود ستم می‌کند، معاویه گمراه و گمراه‌کننده است و پیشوای راستین و هدایت‌گر حقیقی، تنها علی بن

شاید بتوان راز و رمز عنایت ویژه اهل بیت علیهم السلام و پیروان راستین آنان به نماز را از حدیث ذیل به دست آورد. در این حدیث، رسول خدا صلی الله علیه و آله اشتیاق خود به نماز را از انسان گرسنه و تشنه به غذا و آب بیشتر می‌دانند و با این تشبیه، اوج احتیاج انسان به نماز و ارتباط با خداوند را به ما گوشزد می‌کنند:

يَا أَبَا ذَرٍّ، إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ وَحَبَّهَا إِلَيَّ كَمَا حَبَّبَ إِلَيَّ الْجَائِعِ الطَّعَامَ، وَإِلَى الطَّمْأَنِ الْمَاءَ، فَإِنَّ الْجَائِعَ إِذَا أَكَلَ الطَّعَامَ شَبِعَ، وَإِذَا شَرِبَ الْمَاءَ رَوِيَ، وَأَنَا لَا أَشْبَعُ مِنَ الصَّلَاةِ؛ ای ابوذر، همانا خداوند نور چشم مرا در نماز قرار داد و نماز را محبوب من نمود، چنان‌که غذا را محبوب انسان گرسنه و آب را محبوب انشان تشنه نمود. پس همانا انسان گرسنه، هنگامی که غذا بخورد، سیر می‌شود و انسان تشنه هنگامی که آب بنوشد، سیراب می‌شود؛ ولی من از نماز سیر نمی‌شوم.

### ۳. نافع بن هلال

نافع بن هلال شهید برجسته عاشورا، پس از تمام شدن تیرهایش، شمشیر را درآورد و رجز خواند: أَنَا الْغَلَامُ الْجَمَلِيُّ / أَنَا عَلِيٌّ دِينَ عَلِيٍّ. او دوازده نفر را کشت و عده‌ای را هم مجروح نمود؛ ولی بازوی خودش شکسته شد و توسط شمر ملعون و برخی دیگر از دشمن، دستگیر و نزد ابن سعد برده شد. ابن سعد پرسید: چرا چنین کردی؟ نافع پاسخی داد که نشان‌دهنده «اوج اخلاص» او در دفاع از دین خدا و حجت الهی بود: «إِنَّ رَبِّي يَعْلَمُ مَا أَرَدْتُ...؛ پروردگارم می‌داند چه نیتی داشتم».

# السلام علیکم وعلیٰ آله واهل بیت النبوة

می‌شود که انسان به این درجه از توکل می‌رسد؟ قرآن حکیم در هفت آیه از جمله آیه ۱۲۲ آل عمران، به این پرسش پاسخ داده است: «... عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ؛ مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند».

آری، ایمان به خدا، سوق دهنده انسان به سوی اعتماد به اوست. در حدیثی درس آموز از امام صادق علیه السلام از امیرمؤمنان علیه السلام چنین می‌خوانیم: «كُنْ لِمَا لَا تَرْجُو أَرْجَى مِنْكَ لِمَا تَرْجُو؛ ای انسان تو در موردی که امیدی به نتیجه عملی نداری [و لکن با توکل به خدا آن را انجام می‌دهی] امیدوارتر باش از موردی که امید به نتیجه عمل داری».

سپس امام علیه السلام چند مثال در ضمن روایت نقل فرمود: همان طور که موسی بن عمران برای پیداکردن آتش حرکت کرد و به نتیجه آن امیدی نداشت؛ اما ناگهان خداوند او را مورد خطاب قرار داد و ایشان را پیامبر خویش گردانید و با او تکلم کرد؛ و همان طور که ملکه سبأ به سوی سلیمان آمد و سلیمان امیدوار نبود که او از دین خود برگردد؛ ولی تسلیم سلیمان شد و از دین خود برگشت؛ همچنین ساحران فرعون که حضرت موسی امیدوار نبود ایمان بیاورند؛ ولی به موسی و خدای او ایمان آوردند.

## نتیجه

نمونه‌هایی که بیان شد، بخش کوچکی از رفتارها و گفتارهای توحیدی اصحاب سالار شهیدان است؛ وگرنه از نخستین لحظه تصمیم آنها برای همراهی با ولی خدا و

أبی طالب است». بریر گفت: آری، شهادت بده که این رأی و نظر من بود. یزید گفت: گواهی می‌دهم که تو از گمراهانی. بریر برای اثبات درستی اعتقاد خود، به یزید بن معقل پیشنهاد مباحله داد. سپس هر دو دست‌ها را به سوی آسمان بلند کردند و از خداوند خواستند که دروغ‌گور لعنت کند و آن را که راست‌گو و بر حق است، بر باطل پیروز گرداند. پس از مباحله، به مبارزه پرداختند. ابتدا یزید بن معقل ضربتی بر بریر زد، ولی اثر نکرد. سپس بریر حمله کرد و ضربه‌اش سر یزید بن معقل را شکافت و او را بر زمین زد.

بی‌شک ارائه پیشنهاد مباحله از سوی بریر، گواه روشنی بر ایمان و اعتماد راسخ او به خدای متعال است و در امتداد مباحله رسول خدا صلی الله علیه و آله با مسیحیان نجران قلمداد می‌شود. آری، کسی که دعوت به مباحله می‌کند، باید از اعتقادی راسخ به خداوند و نیز هدف خود برخوردار باشد؛ چراکه چهار احتمال پیش‌روی اوست که فقط در یک صورت، مباحله به نفعش تمام می‌شود: عذاب بر هر دو نازل شود؛ عذاب بر هیچ‌کدام نازل نشود؛ عذاب بر خودش نازل شود؛ عذاب بر طرف مقابل نازل شود. بریر به جای احتمال پیروزی ۲۵ درصد خود بر یزید بن معقل، صد درصد اطمینان داشت که خدای متعال وی را مدد می‌کند و بر دشمن خدا پیروز می‌شود که چنین هم شد.

پیام روشن این حرکت خدامحورانه بریر، «اعتماد و توکل به خداوند» است. ریشه این اعتماد عمیق کجاست و چه

# السلام علیکم وعلیٰ آله واهل بیت النبوة

- ترک زن و فرزند و اموال تا سخنان شان در شب و روز عاشورا و رزم در میدان، همگی می‌تواند از نگاه خدا باورانه این انسان‌های ربانی پرده بردارد.
- به این فرمایش امام صادق (علیه السلام) توجه نمایید:
- لَا يَمَحُضُ رَجُلٌ الْإِيمَانَ بِاللَّهِ حَتَّىٰ يَكُونَ اللَّهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ وَآبِيهِ وَآمِهِ وَوَلَدِهِ وَأَهْلِهِ وَمَالِهِ مِنَ النَّاسِ كُلِّهِمْ؛
- هیچ‌کسی ایمانش به خدا خالص نمی‌شود تا آنکه خداوند نزد او، از خودش و پدرش و مادرش و فرزندانش و خانواده‌اش و مالش و همه مردم، محبوب‌تر باشد.
- به قلم: حجت‌الاسلام والمسلمین علی خادمی (نویسنده و استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم) - ره توشه مبلغان محرم شماره هجدهم**
- کتاب‌نامه
- قرآن کریم.
۱. ابن اثیر، عزالدین، الكامل فی التاریخ، چ اول: بیروت: دار صادر، ۱۳۸۵ ق.
  ۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل‌أبی طالب علیه السلام، چ اول، قم: علامه، ۱۳۷۹ ق.
  ۳. ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال، چ دوم، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۹ ق.
  ۴. \_\_\_\_\_، فلاح السائل ونجاح المسائل، چ اول، قم: بوستان کتاب، ۱۴۰۶ ق.
  ۵. \_\_\_\_\_، لهوف، چ اول، تهران: نشر جهان، ۱۳۴۸ ش.
  ۶. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، تحقیق: علامه امینی، چ اول، نجف: دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ش.
۷. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، چ اول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۹ ق.
  ۸. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، مقاتل الطالبیین، بیروت: دار المعرفة، [بی‌تا].
  ۹. ابومخنف کوفی، لوط بن یحیی، وقعة الطف، چ سوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق.
  ۱۰. سماوی، محمد بن طاهر، إبصار العین فی أنصار الحسین علیه السلام، چ اول، قم: دانشگاه شهید محلاتی، ۱۴۱۹ ق.
  ۱۱. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، چ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
  ۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ اول، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۷ ق.
  ۱۳. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری (تاریخ الأمم و الملوک)، چ دوم، بیروت: دار التراث، ۱۹۶۷ م.
  ۱۴. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، چ اول، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
  ۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی (اصول، فروع، روضه)، چ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
  ۱۶. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیة، چ سوم، قم: انصاریان، ۱۳۸۴ ش.
  ۱۷. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، چ اول، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
  ۱۸. مقرّم، سید عبدالرزاق، مقتل الحسین علیه السلام، چ اول، بیروت: مؤسسة الخرسان للمطبوعات، ۱۴۲۶ ق.
  ۱۹. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، چ هفتم: بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.



وَاللَّهُ  
أَعْلَمُ  
بِالْغَيْبِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُسْلِمَ بْنَ عَقِيلٍ

وَأَيُّكُمْ تَمَّتْ  
وَرَحْمَةُ مَا أَنَا  
عَزَّ وَجَلَّ  
وَعَزَّ وَجَلَّ  
وَعَزَّ وَجَلَّ  
بَارِئِينَ  
بَارِئِينَ

وَأَيُّكُمْ تَمَّتْ  
وَرَحْمَةُ مَا أَنَا  
عَزَّ وَجَلَّ  
وَعَزَّ وَجَلَّ  
وَعَزَّ وَجَلَّ  
بَارِئِينَ  
بَارِئِينَ